

متن سخنان نماینده‌ی جنبش عدالتخواه دانشجویی از سال ۸۴-۸۸ در دیدار رهبر عزیز انقلاب

در ماه مبارک رمضان، هر ساله دیداری بین جمعی از نمایندگان دانشجویان و رهبر عزیز انقلاب اسلامی برگزار می‌گردد. در این دیدارها تشکل‌های دانشجویی به ارائه نظرات خود درباره‌ی موضوعات مختلف می‌پردازند. این سنت حسنه که ناشی از اطمینان و جایگاه ویژه‌ی جنبش دانشجویی نزد رهبر عزیز انقلاب اسلامی دارد، بایستی الگویی برای همه‌ی مسئولین نظام قرار گیرد.

بنا بر این سنت، جنبش عدالتخواه دانشجویی در ۵ سال اخیر در این دیدارها به ارائه‌ی نظرات خود پرداخته است. در این جزوه، متن سخنرانی نماینده‌ی جنبش عدالتخواه دانشجویی جمع‌آوری شده است.

بخشی از مطالب مطرح شده در این ۵ سال که متأسفانه توسط مسئولین و نهادهای مسئول بر زمین مانده است به شرح زیر است:

ایجاد محدودیتهای شدید بر واردات کالاهای مصرفی از کشورهایی که در مساله هسته ای با جمهوری اسلامی مخالفت کردند - توجه دولت به پیامدهای تغییر نظام طبقاتی دانشجویان و دانشجوی پولی - شناسایی نقاط فسادزای سیستم اقتصادی و اداری کشور - مبارزه با طاغوت فرهنگی و جریان‌ات انجمن حجتیه ای خصوصا در عرصه فرهنگ - عدم ترویج آرمان های انقلاب اسلامی در صدا و سیما سطحی نگری و عوام زدگی و قشری گرایی - اقتصاد زدگی افراطی در دولت - پاسخگویی دو جانبه و علمی مسئولین - ضرورت بازتعریف تئوری فعالیت دانشجویی از سوی تشکلهای و اولویت فکری، فرهنگی در کار دانشجویی - محدود کردن شروع فعالیت ها در کشور به نقش آفرینی رهبری و عدم انجام وظیفه مردم و خواص و حتی مقابله با کسانی که کی خواهند عمل کنند- استفاده ابزاری، برخورد گزینشی، مصادره به مطلوب، تفسیر به رای و حتی بایگانی فرمایشات رهبری - ضمن همه اقدامات انقلابی در سیاست خارجی که خشم دشمنان را برانگیخت اصرار رییس دولت بر مذاکره با آمریکا - جلسه گذاشتن و پاسخ گویی مسئولین با تشکل ها - ارائه یک نظام فکری برای تشکل‌های دانشجویی - پیوند با مردم و مطالبات حقیقی ایشان در جنبش دانشجویی نظیر تورم و گرانی، فقر و ... - شاخصه سازی سنجش‌پذیر برای عدالت - نقش تئوری و فرهنگ سازی حوزه برای تحقق عدالت - خاتمه تساهل با مفسدان اقتصادی نهادینه شدن نظارت مستمر و موثر مردم - برخوردهای نادرست دستگاه‌های قضایی یا امنیتی با عدالت‌خواهان درون گفتمان انقلاب - بسته شدن باب نقد با کج فهمی - پرداختن به پرونده‌های اقتصادی مرتبط با چهره‌های سیاسی که مدت‌ها نقل مردم کوچه و بازار است - عدم برخورد سیستمی با مقوله فساد - عدم اجرا و تصویب قوانینی مانند از کجا آورده ای و تشهیر - عدم توجه قانون‌گذاران و مسئولین به اصل ۸ قانون اساسی - مطالبات بر زمین مانده نظیر جمع شدن کالاهای صهیونیستی - خصوصی شدن دانشگاه ها و اصلاح اساسنامه دانشگاه

سال ۱۳۸۴

محمد جواد میری سخنگوی جنبش عدالتخواه دانشجویی در دیدار تشکلها با مقام معظم رهبری به عنوان اولین سخنران، مواضع و دیدگاههای جنبش را چنین مطرح نمود:

سلام علیکم

بسم الله الرحمن الرحيم

قل انما اعظکم بواحدہ، ان تقوموا لله مثنی و فرادی

رهبر فرزانه انقلاب

به خاطر می آوریم روزهایی را که فضای کشور، مملو از نزاعهای بیهوده بود و عدالتخواهی حتی نزد بسیاری از دوستان نزدیکمان در دانشگاه ها، مسأله ای نه چندان مهم و گاه مخالفت غیر مستقیم با نظام و رهبری تلقی می شد. امروز اما به برکت تاکیدات فراوان شما، «عدالت» فصل مشترکی در ادبیات نخبگان، دانشجویان و مسئولان شده و دولتی هم به پشتوانه ی همین گفتمان فراگیر روی کار آمده است. این البته، به نظر ما گام اول است و تا تحقق عینی عدالت، گامهای بسیاری پیش رو است.

از اواخر سال ۱۳۸۰، تشکلهای پراکنده ای که اولویت اولشان مطالبه عدالت – این اصلی ترین آرمان اجتماعی دین و انقلاب – بود، تصمیم به همفکری و همکاری بیشتر با هم گرفتند و این گونه، جنبش عدالتخواه دانشجویی شکل گرفت و فعالیت و گسترش خود را تا امروز ادامه داد.

در این فرصت فوق العاده کوتاه اجازه می خواهم به طور تلفیقی، تجارب هر چند اندک این حرکت دانشجویی و استراتژی های اصلی آن را به همراه آسیب شناسی مان از وضعیت موجود، ذیل پنج عنوان خلاصه کنم:

۱- اولویت عدالت با استناد به پیام ۸۴/۸/۶ حضرتعالی

این پیام سند متقنی نیز می تواند باشد برای جدا شدن از آنان که به عدالت به چشم یک تاکتیک می نگرند و نیز از آنان که فقر زدایی را بدون دردسر تکاثر ستیزی و مبارزه با تبعیض و فساد دنبال می کنند.

۲- اتکا به ایدئولوژی اسلام ناب محمدی(ص)

آن گونه که امامان آموخت، جوهره انقلاب ما، حاکم کردن اسلام ناب –اسلام اجتهاد و جهاد، و معنویت و عدالت- با طرد همزمان اسلام تحجر و مقدس مآبی، اسلام مرفهین بی درد، اسلام ذلت، اسلام سرمایه داری و در یک کلمه اسلام آمریکایی بود. تمسک دائم به این تفکر، شرط اساسی است برای: انقلابی بودن و انقلابی ماندن، فهم عمیق آرمانهای انقلاب و مطالبات امام و رهبری، و حفظ جامعیت در مطالبه آرمانها و ارزشها در عین درک اولیتهای آنها.

به نظر ما این آموزه مقدس و جذاب، باید نخ تسبیحی باشد در تمام تلاشهای نظری و فعالیتهای فرهنگی و سیاسی دانشجویان.

۳- اهتمام به فرهنگ و هنر

با اعتقاد به این که کار فرهنگی در راستای آرمانها، به اندازه کار سیاسی مهم، بلکه از جهاتی از آن هم زیربنایی تر و مهمتر است، جنبش عدالتخواه دانشجویی، توزیع آثار ادبی و هنری جبهه فرهنگی انقلاب را تجربه کرد و بسط هنر را از پشتوانه های حرکت خود قرار داد. همچنین این جنبش با همان رویکرد اسلام ناب و لزوم اجتناب از نگاه غیر اجتماعی و منفعلانه یا قشری در بسط فرهنگ دینی و انقلابی، از طرح مطالبات خود در برابر نهادهای فرهنگی از جمله صدا و سیما و شورای عالی انقلاب فرهنگی غفلت نکرده و نخواهد کرد.

۴- ارتباط با تشکلهای غیر دانشجویی

تشکلهای دانشجویی، هم برای درک مستقیم تر از مطالبات مردم و هم برای موفقیت در اجتماعی کردن مطالبات خود، محتاج به ارتباط با همه اقشار اجتماعی اند. این جنبش مفتخر است که ارتباط مستمر و تنگاتنگی با چندی از تشکلهای مردمی و نیز تشکلهای طلاب در سراسر کشور دارد.

و ۵- مطالبه مصداقی

با نظر به همه گیر تر شدن روز به روز گفتمان عدالتخواهی، جنبش دانشجویی نباید به طرح صرفاً مطالباتی کلی دل خوش کند، که این می تواند به کلیشه شدن عدالت و عدالتخواهی دامن زند. توجه به مصداق عدالت و بی عدالتی و مطالبه پیگیرانه موارد مشخص، از بایدهای این دوره زمانی است که البته بدون کمک گرفتن از مبانی نظری ناممکن است. این مجموعه خود را متعهد دانسته که در مواضع و حرکت‌های خود، دیدگاه کارشناسان دلسوز و آرمانگرا را در حوزه های مربوطه جویا شود. در ایام انتخابات ریاست جمهوری نیز، ما در ۳ بیانیه تخصصی سئوالات خود را در حوزه های مختلف از نامزدهای انتخابات پرسیدیم.

در پایان، فهرستی کوتاه از بعضی مطالبات خود را که لازم می بینیم در این مقطع مطرح سازیم به عرض می رسانم:

۱- از دولت خواستاریم محدودیتهای شدیدی بر واردات کالاهای مصرفی از کشورهایی که در مساله هسته ای با جمهوری اسلامی مخالفت کردند، اعمال نماید.

۲- از دولت می خواهیم به پیامدهای تغییر نظام طبقاتی دانشجویان توجه کرده و در پذیرش دانشجو، بیش از آن که به تأمین بودجه ی پیش بینی شده بیایندیشد، دغدغه توجه به صلاحیت حقیقی علمی دانشجویان و سپردن فردای کشور به دانشجویان درد کشیده و برخاسته از طبقات محروم را داشته باشد. ما لایحه ی تحولگرایانه دولت را برای اصلاح قانون موجود در نحوه پذیرش پولی دانشگاهها خواستار شده ایم.

۳- از سه قوه وستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی می خواهیم هر چه سریعتر به شناسایی نقاط فسادزای سیستم اقتصادی و اداری کشور پرداخته و این مرحله اولیه را که باید خیلی زودتر از اینها طی می شد، طی کنند.

۴- از قوه قضائیه خواستاریم قانون تشهیر را هر چه سریعتر آماده کند و به این مطالبه افکار عمومی پاسخ گوید.

۵- با توجه به لزوم حرکت‌های کارشناسانه، پیشگیرانه و نظارتی در مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، از مجلس شورای اسلامی خواستاریم با تشکیل هر چه سریعتر کمیسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی یا هر روش دیگری مفاد پیام دو سال پیش رهبر انقلاب به مجلس هفتم را عملیاتی کند و اینچنین در امر قانونگذاری در این عرصه دست خالی نباشد.

این کهکشانی کشته ای از رد پای ماست / وقتی که می رویم و جهان در قفای ماست
ما ادعای رفتن این گونه کرده ایم / صحرای پشت سر ، سند ادعای ماست
بیم از هراسناکی جنگل مبادمان / جنگل غذای آتش و آتش غذای ماست
دستی به من بده که ببینی به برکتش / فردا چراغ معجزه در دستهای ماست
فردا اگر چنانکه خدا گفته بر شویم / ما کدخدا و هر چه زمین، روستای ماست

اللهم صل علی محمد وآل محمد.

سال ۱۳۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لقد ارسلنا موسى باياتنا و سلطان مبین الی فرعون و هامان و قارون»

بی شک اگر بخواهیم مثلی قرآنی برای انقلاب اسلامی بیابیم، انقلاب الهی موسی (علیه السلام) یکی از بهترین آن هاست که قرآن به شرح مفصل مبارزات او علیه طاغوت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته است.

به نظر می رسد یکی از مسائلی که در این عرصه در نظام جمهوری اسلامی ایران مغفول مانده بحث مبارزه با طاغوت فرهنگی است. مبحثی که حضرت امام (رحمت الله علیه) آن را جوهر اصلی انقلاب مطرح کرده است. آن جا که فرمود: « شما باید نشان دهید که چگونه مردم علیه ظلم و بیداد، تاجر و واپس گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی (ص) را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند.»

مبارزه با طاغوت فرهنگی یعنی د رفتادن با اسلام دروغینی که امام (ره) آن ها را به ما معرفی کرد. اما متأسفانه این دغدغه ها و مفاهیم، به نسل جدید نیروهای انقلاب منتقل نشده است. در حالی که مولفه های اسلام آمریکایی و اسلام تجمل گرایی هنوز تبیین نشده است. امروز دوباره شاهد جریانات انجمن حجتیه ای خصوصا در عرصه فرهنگ هستیم که در صدد مصادره انقلاب و مسخ مبانی اصیل آن است. به همین دلیل معتقدیم که طرح گفتمان انقلاب اسلامی، باید مبنای گفتمان فکری، عملی تشکل های دانشجویی قرار بگیرد. فضای آرامش به وجود آمده در تشکل ها در یک ساله اخیر از سویی تهدید و از سویی فرصت مناسبی برای جنبش دانشجویی انقلابی به وجود آورده است. تهدید آن که، نگاه آرمانی دانشجو و تحلیل داشتن او به فراموشی سپرده شود و از سویی فرصت است تا جنبش دانشجویی به دور از تنش های سیاسی به اولویت های فرهنگی، اجتماعی و علمی و عملی خود که نمونه بارز آن در پیام ۸/۸/۸۱ حضرتعالی انعکاس یافته، بپردازد.

رکود پیش آمده تنها به جنبش دانشجویی محدود نشده و عموم نیروهای انقلابی و حزب الهی را نیز در بر می گیرد. امروز به جای آن که نیروهای انقلابی سرباز تمام وقت انقلاب باشند و در همه عرصه ها، حضوری جهادی داشته باشند، تنها به حضور در عرصه های بحرانی و خاص اکتفا کرده اند. مانند ورود پر انرژی در عرصه انتخابات که ناگهان بعد از آن عرصه را خالی می کنند و این نیاز به یک آسیب شناسی جدی دارد.

تشکل های دانشجویی عدالتخواه، بر اساس رهنمود حضرتعالی مبنی بر اینکه همیشه باید به دور از مصلحت اندیشی ها، قله ها و آرمانها را یادآور شوند، همواره سعی داشته اند تا با پیگیری نقد درون گفتمانی و رعایت جانب انصاف و جامع نگری پس از مشورت با اساتید دلسوز به نقد قوای سه گانه بپردازند و نقاط ضعف موجود در عملکردشان را تذکر دهند تا با اصلاح آن، شاهد رشد و پویایی شان باشیم. اما گاهی با برجسب سیاه نمایی و تضعیف نظام مواجه می شوند و به بهانه حمایت عمومی رهبری از عملکرد قوای کشور، محکوم به تند روی نیز می گردند.

اکنون فهرستی کوتاه از برخی مطالبات خود را به عرض می رسانیم:

۱- متأسفانه صدا و سیما که باید در پی ترویج آرمان های انقلاب اسلامی باشد خصوصا" در عرصه فیلم ها و سریالها ضعیف عمل کرده است و به سطحی نگری و عوام زدگی و قشری گرایی دامن زده است. گرچه نتایج نسبتا" قابل قبولی در بخش های خبری و نظری را نمی توان انکار نمود. لذا از صدا و سیما می خواهیم تا فرصت پرداختن به مبانی انقلاب اسلامی و تبیین مولفه های اسلام در برابر اسلام آمریکایی، تاجر و ... را با تولید برنامه های قوی به وجود آورد.

۲- در گزارش های دوره ای دولت محترم ، یک نوع اقتصاد زدگی افراطی به چشم می خورد و ارائه عملکرد فرهنگی به نوعی مغفول مانده است. لذا از دولت محترم خواهشمندیم که به صورت شفاف به ارائه عملکرد خود در این حوزه بپردازد.

۳- در عرصه های انتخابات به نظر می رسد اصلاح روندهای انتخاباتی ناسالم همچون شکل گیری لیست های انتخاباتی و ملاک ها و مبانی آنها و میزان تلاش برای شفاف سازی ملاک ها و برنامه ها در جامعه و میزان تبیین مصداقی و عینی ملاک های منتخب شایسته ، در اولویت احزاب کشور به جای مسائل بانندی و جناحی قرار بگیرد تا از برخوردهای سطحی، سلیقه ای و سیاست زده جناحی پرهیز شود.

۴- از دولت محترم می خواهیم که در نحوه پاسخگویی نسبت به عملکرد خود به افکار عمومی از حالت یک جانبه بودن خارج شده و با حضور در محافل دانشگاهی و دانشجویی یا گفت و گوهای ویژه خبری به صورت پرسش و پاسخ چالشی به بررسی عملکرد خود بپردازد.

۵- تعدد مراجع تصمیم گیر و نظارتی در حیطه های سیاست، فرهنگ و اقتصاد باعث شده است تا این دستگاههای نظارتی نتوانند به نتایج قابل قبولی در این حوزه ها برسند و پیگیری های آنها در حد مصوبات عادی باقی بماند و به مرحله جدی عمل و اجرا نرسد. لذا از دستگاههای نظارتی کشور می خواهیم تا هرچه سریعتر به وضعیت موجود رسیدگی نموده و این وضعیت را ساماندهی نمایند.

والعاقبه للمتقين

جنش عدالتخواه دانشجویی

سال ۱۳۸۶

اللهم لا ترفعني في الناس درجته الا حططتني عند نفسي مثلها
ولا تحدث لي عزاً ظاهراً الا احدثت لي ذللاً باطنه عند نفسي بقدرها

ضمن عرض سلام و خسته نباشید؛ و تشکر از فرصتی که در اختیار قرار داده شده است. در سه بخش نگاههای جنبش عدالتخواه را خدمتتان ارائه می کنم :

بخش اول. ضرورت بازتعریف تئوری فعالیت دانشجویی از سوی تشکلهای

پایبندی به آرمان خواهی و پیگیری ارزشهایی چون عدالت در تشکلهای دانشجویی، باید زمینه ساز یک انتخاب اساسی برای تحقق مدل زندگی جهادی از سوی فعالان آنها باشد. اثرات چنین انتخابی می تواند در تصمیم های حیاتی و مهم زندگی برخی فعالان دانشجویی نظیر ازدواج، نحوه ادامه تحصیل، انتخاب شغل حتی پس از فارغ التحصیلی نیز مشاهده شود.

این نگرش - یعنی تسری آرمان گرایی به همه ابعاد زندگی - باید خود را در نحوه اداره یک تشکل دانشجویی نشان دهد و وجوه تمایز آن را از یک حزب سیاسی، اداره دولتی و یا هر تشکل اجتماعی دیگر نمایان سازد. تکیه بر جذب آگاهی محور و مشارکت آگاهانه، توجه جامع به همه نیازها و تکالیف دانشجو، تغییر مدل زندگی دانشجویی و نحوه توزیع وقت، استفاده مناسب از ابزارهای اثرگذار بر مخاطب، توجه ویژه به استفاده از استادان و صاحب نظران و... عرصه هایی است که باید در نظریه مدیریت هر تشکل دانشجویی تعریف شود. به نظر ما فعالیت تشکلهای دانشجویی ذاتاً فکری، فرهنگی است اگرچه با نمود سیاسی. لذا بنا به ضرورت آرمان خواهی باید از رفاه زدگی، ایجاد توقعات کاذب، طلب کاری از انقلاب، نگاه ابزاری به فعالیت دانشجویی، سکوی پرش شدن به مناصب کلان و پیگیری منافع فردی، جداً پرهیز نمود.

بخش دوم. ضرورت تبیین مجدد رابطه مردم و رهبری

گرچه بارها از سوی حضرت امام(ره) و رهبری انقلاب شاخصه های مهم و اصلی رابطه امام و امت طرح شده است، ولی انتساب نظریه های متناقض به امام(ره) از یک سو و بدفهمی مواضع رهبری در مواردی، حاکی از ضرورت تبیین بیش از پیش این موضوع و ترسیم شفاف رابطه امام و امت است.

در این صورت، به نظر می رسد فرصت های بیشتری را می توان در بدنه مردم، برای پیگیری رهنمودهای رهبری فعال کرد.

برخی آسیب های موجود در فضای کشور از این قرارند:

• برخی گمان می کنند نقطه شروع همه تحولات کشور باید رهبری باشد. در حالی که در برخی عرصه ها، مردم باید پیشگام شده و راه را برای گام های بعدی رهبری مهیا سازند.

• عده ای برخی از امور را با انتساب به رهبری توجیه کرده و با گزاره هایی نظیر «حتماً رهبری مطلعند اگر صلاح می دانستند موضع می گرفتند»؛ «درست آقا گفتند اما منظورشان چیز دیگری است»؛ «آقا در جلسه خصوصی گفتند...» مانع از طرح سوالات و انتقادات می شوند.

• برخی نظریه پردازان گمان می کنند تقویت نقش مردم به معنای تنزل جایگاه رهبری است. ترویج این نظریه ها به نقش حداقلی مردم منتهی شده و به فرصت طلبان اجازه می دهد تا رهبری را مسئول همه نابسامانی های کشور معرفی کنند.

• استفاده ابزاری، برخورد گزینشی، مصادره به مطلوب، تفسیر به رای و حتی بایگانی فرمایشات رهبری همچنان در برخی گروه ها جایگزین تحلیل، منطقی و پاسخ گویی شده است. مثلاً گروهی با سوء استفاده از حمایت های رهبری از دولت خدمت گزار و انقلابی، هر گونه نقد به عملکرد اجزای دولت را هم محکوم می کنند.

چقدر خوب است که رهبری یک بار کلمه ضد ولایت فقیه را تشریح و حد و مرز آن را مشخص کنند.

مبتنی بر همین فضای آسیب زده دو مصداق عینی دیگر ذکر می گردد :

سیاست‌های کلی اصل ۴۴: بخشی از دل‌سوزان نظام و معتقدان به ارزش‌های انقلاب اسلامی نسبت به عواقب اجرای نادرست سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابراز نگرانی کرده‌اند. اما از بیم این‌که سخنانشان نقض سخنان رهبری تلقی شود، از طرح دیدگاه‌های خود امتناع می‌کنند. مذاکرات با آمریکا: مساله مذاکرات ایران و آمریکا، برای دانشجویان آشنا به سخنان انقلابی حضرت امام(ره) و مواضع رهبری با سؤالاتی جدی همراه است: اساساً چه نیازی به مذاکره بود؟ آیا چارچوب تعریفی رهبری رعایت شد؟ یعنی ما فقط تکالیف اشغال‌گران را به آنها یادآور شدیم؟ آیا این امر مستلزم گسترش مذاکرات تا دور سوم و حتی طرح تشکیل کمیسیون مشترک امنیتی بود؟ و سؤالاتی از این دست.

به‌ویژه وقتی برخی مسئولان این مذاکرات را مقدمه ای برای مذاکرات ایران با دولت آمریکا می‌دانند و برخی دیگر معتقدند می‌توان همچون چین و آمریکا با وجود تضاد در منافع اقتصادی، مذاکره و ارتباط هم داشت، این سؤالات جدی تر می‌شود! در این راستا مواضع رهبری نیز تایید همه اتفاقات رخ داده تفسیر شده است.

البته موارد فوق ناقض عملکرد فعال و قابل تقدیر دولت در سایر عرصه‌های سیاست خارجی به‌ویژه سفر اخیر ریاست جمهوری نیست.

بخش سوم. ضرورت نهادینه شدن پاسخ‌گویی در مسئولین.

متأسفانه بعضی از جلسات دانشجویی با مسئولان جنبه تشریفاتی پیدا کرده است. برخی مسئولان قوا و نهادهای مختلف علاقه‌ای برای پاسخ‌گویی نسبت به عملکردشان در فضائی دوطرفه ندارند و سخنرانی و ارائه گزارش کارهای یک طرفه را ترجیح می‌دهند. فضای علمی، اخلاقی و منصفانه دانشگاه می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق جلسات پاسخ‌گویی باشد. عمده تلاش‌های ما برای تشکیل چنین جلساتی با شکست مواجه شده است، هر چند گاهی تعداد اندکی از مسئولان در این جلسات حضور یافته‌اند. ما آمادگی داریم تا در چنین جلساتی پاسخ سؤالات موجود در مسائل مختلف، مثلاً آمار تکان دهنده فقر را بشنویم. سخنان خود را با شعری از شاعر جوان انقلاب، امید مهدی نژاد پایان می‌دهم.

این دور دور ماست، جهان را خبر کنید دستی به خون زمره تردید تر کنید
وقت شنیدن است، سخن مختصر کنید

مبهم مخوان به رمز، مبرهن نوشته‌اند در سرنوشت رود گذشتن نوشته‌اند
تاریخ را برای نخواندن نوشته‌اند

فردا اشاره هاست که تاویل می‌شوند هر کول‌های کوکی؛ آشیل می‌شوند
وین خیل یا کریم، ابابیل می‌شوند

پرونده سیاه زمین را ورق زدیم فالی به نام نامی رب الفلق زدیم
شمشیر اگر زدیم به دشمن، به حق زدیم

ما شبروان لشکر فردای قائمیم ما آخرین سطور کتاب ملاحیمیم
دشمن بگو پیاده بچیند، مهاجمیم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

جنبش عدالتخواه دانشجویی

۲۸ رمضان ۱۴۲۸ / ۱۸ مهرماه ۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم
و جاهد في الله حق جهاده و لا تاخذك في الله لومه لائم و نعم الخلق التصر في الدين

انقلاب اسلامی آمده است تا در غیبت انسان کامل با تحقق زمینه‌ی حکومت معصوم، فراتر از آب و نان و رفاه و آزادی، انسان بسازد؛ انسانی تراز افق ملکوتی وحی. غنی‌ترین موهبت‌ها چون پیشرفت و امنیت و عدالت اگر در مسیر تربیت الهی انسان قرار نگیرند، ارزشی ندارند. حتی عدالت، این حیات احکام مکتب اسلام، بر خلاف سایر مکاتب، نه پایان راه که هدفی متوسط در آغاز مسیر تربیت و رشد انسان است.

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی با عنایت به جایگاه اصیل عدالت در اسلام سالیانی ست در این مسیر دویده و در تجربه‌ی این سال‌ها، خلاصه‌ها و موانعی را با تجربه و تأمل دریافته است که غفلت از هریک ماندگاری و بسط این جریان را با ابهام مواجه می‌نماید. این موانع در چهار لایه ارائه می‌گردند:

۱. لایه دانشجویی

از مقتضیات عدالت‌طلبی دانشجویان ارائه یک نظام فکری برای تشکل‌های دانشجویی است تا در مقام پیگیری عدالت از اصول عدول نکنند. حضرت‌عالی به عنوان هادی جریان عدالت‌خواهی در مقاطع مختلف به منظور تعمیق جریان عدالت‌خواهی و صیانت از آن تذکراتی را طرح نموده‌اید. ما به فرمایشات حضرت‌عالی از جمله توجه به مصالح کلی نظام و استفاده از روش‌های درست، به مثابه تابلوهای راهنمای جاده عدالت‌خواهی نگریسته‌ایم؛ لیکن عده‌ای بنا دارند این تابلوهای راهنما را به موانع و دست‌اندازهای جاده عدالت‌خواهی تبدیل کنند که در آن صورت رکود و سکوت پسندیده‌ترین کار خواهد بود. لذاست که تبیین نظری این مفاهیم در دستور کار فعالیت‌های ما قرار گرفته و از شما به عنوان راهبر اصلی جریان عدالت‌طلبی تقاضا داریم با کمک به ما در این مسیر و تفسیر درست این مفاهیم باب تفسیر به رای و مصادره به مطلوب این فرمایشات را مسدود فرمائید.

لازمه دیگر پیشبرد درست عدالت‌خواهی در جریان دانشجویی پیوند با مردم و مطالبات حقیقی ایشان است. امروز متاثر از فضای سیاست‌زده کشور با پررنگ شدن مطالبات سیاسی مجموعه‌های دانش‌جویی و به دلیل انقطاع جنبش دانشجویی از جامعه بخش زیادی از مطالبات مردمی نظیر تورم و گرانی، فقر و ... از دایره مطالبات دانشجویی خارج شده است که منجر به سوء استفاده جریان‌های معاند نظام شده است.

۲. لایه فکری نظری

باید تاکید نمود که عدالت و معنویت گفتمان ثابت دولت دینی است. با عنایت به فضای رقابتی انتخابات در ماه‌های پیش رو این نگرانی وجود دارد که به بهانه‌هایی از جمله نقد روش‌ها و عملکرد دولت نهم، عده‌ای گفتمان عدالت‌خواهی را مورد هجمه قرار دهند و برای جایگزینی گفتمان دیگر تلاش نمایند. رویکردهایی از قبیل پرهیز از اشرافیت دولتی رابطه بی‌واسطه با مردم و توجه به محرومان در دولت نهم جزو مولفه‌های قابل تقدیری بود که باید در دولت‌های بعد نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین به نظر میرسد خلاصه کردن گفتمان عظیم و مردمی عدالت‌خواهی به یک جریان سیاسی و یا یک شخص خاص و یا حتی یک دولت، جفای به این گفتمان است؛ چراکه بازه زمانی و گستره این گفتمان اصیل انقلاب محدود به یک دوره چهار یا هشت ساله نیست. البته بسنده کردن به این موارد و غفلت از گام‌های بعدی اعم از ساختارسازی و پیوند جریان عدالت‌خواهی با جنبش نرم‌افزاری از آسیب‌های پیش روی دولت‌های عدالت‌خواه است. در حال حاضر این ضرورت باقی است که شاخصه‌های سنجش‌پذیر عدالت در نگاه انقلاب اسلامی دقیق‌تر تعریف گردد تا مدعیان عدالت با کارایی و ابتنای به اصول سنجیده شوند.

همچنین به نظر می‌رسد حوزه علمیه در عرصه‌های مختلف می‌تواند یاری‌گر جریان عدالت‌خواه باشد. حوزه علمیه باید برای تبیین نظری و عملی نرم‌افزارهای اداره حکومت اسلامی به عنوان مقدمه تحقق عدالت در جمهوری اسلامی تلاش نماید.

همچنین با توجه به تاثیر انکار ناپذیر روحانیت بر فرهنگ عمومی، شایسته است تا بسط فرهنگ عدالت‌خواهی و تبدیل شدن آن به مطالبه عمومی در اولویت‌های اصلی ایشان قرار گیرد و با تلقی عده‌ای که عدالت‌خواهی در شان روحانیت نمی‌دانند مقابله شود.

۳. لایه نهادی ساختاری

از دیگر مقتضیات گسترش عدالت‌ساماندهی روابط به واسطه ضوابط و قوانین است که با نگارش قانون اساسی پس از پیروزی انقلاب این عرصه مهیا گردید. اما پس از گذشت سه دهه از انقلاب شماری از اصول قانون اساسی یا در مرتبه تصویب کلیات مانده است و یا این که در مقام اجرا نفی می‌شوند. اصل هشتم قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر را تکلیفی دینی می‌شمارد متأسفانه از اصول مغفولی است که می‌تواند ظرفیت‌های بی‌نظیری از مشارکت سیاسی اجتماعی مردم را فعال نماید و زمینه احیای ابعاد مغفول از امر به معروف نظیر امر به معروف مسئولان از سوی مردم را فراهم نماید.

اگر چه برقراری عدالت قضایی مستلزم فساد ستیزی است، اما متأسفانه این مبارزه با فساد در دستگاه قضایی رخ نداد. بنابراین با انتخاب رئیس جدید این قوه، انتظار می‌رود تساهل با مفسدان اقتصادی خاتمه یابد و مسئول آتی دستگاه قضایی، مقابله با مفاسد اقتصادی و پاسخگویی شفاف در این رابطه را اولویت اصلی این قوه قرار دهد. این فسادستیزی باید به شیوه‌ای دنبال شود که برای مردم ملموس باشد.

۴. لایه مردمی

مطابق تعالیم دینی مردم نقش بی‌بدیلی در مقابله با فساد و مفسد دارند. لذا باید نظارت مستمر و موثر مردم رشد یابد و نهادینه شود. از بایسته‌های بقای نظارت عمومی این است که حافظه تاریخی مردم آلوده به خاطره‌ی برخوردهای نادرست دستگاه‌های قضایی یا امنیتی با عدالت‌خواهان نگردد. زیرا این رویه، گرایش به تملق‌های مزورانه و سکوت بزدلانه را غالب می‌سازد و دغدغه منفعت فردی جایگزین مصلحت اجتماعی می‌شود.

تشکل‌های دانشجویی و عامه مردم برای عدالت‌طلبی علی‌رغم این که به تفسیر مولفه‌های نقد و نهی از منکر توسط اساتید نیازمندند به الگوهایی کاربردی نیز محتاج‌ند تا عدالت‌طلبی منزله از روش‌های غلط، مصداق عینی پیدا کند و الگویی قابل پیروی ارائه شود. سکوت شماری از روحانیت مکرم و اساتید دانشگاه در این عرصه مردم را از الگوهای کاربردی و قابل اتکا محروم می‌سازد. لذا با غفلت خواص از سویی تجربه‌های ابتر و هزینه‌زا افزایش می‌یابد.

سال ۱۳۸۸

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
بِمَا تَعْمَلُونَ. مائده/۸

پی گیری عدالت و گفتمان انقلاب اسلامی ، با تاکیدات فراوان رهبری و تلاش نخبگان انقلابی در دوه دهه گذشته به یک مطالبه عمومی تبدیل شد و در پی تکرار آن از جانب دولت مورد حمایت اکثریت مردم قرار گرفت.

پیداست استقامت در این مسیر هزینه های فراوانی در پی دارد که تنها پاره ای از آن در جریانات اخیر مشاهده شد. اما معتقدیم برخی از هزینه ها را می شد با تدبیر بهتر مسئولین امر به ویژه در دستگاه های امنیتی و صدا و سیما کم کرد.

حمایت های رهبری و عدالتخواهان از دولت به واسطه پایبندی به بخشی از گفتمان انقلاب موجب برخی سوء برداشت ها شده است عده ای با کج فهمی حتی باب نقدهای دلسوزانه را نیز میندند و عده ای دیگر عدم واکنش علنی رهبری در مورد بسیاری از اشتباهات دولت را دست اویزی برای القای شبهه حمایت رهبری از یک جناح خاص قرار داده اند.

سوال این جاست با کج فهمی و بستن باب نقد منصفانه و غیرمغرضانه چه باید کرد؟ مدل برخورد رهبری با اشتباهات، تخلفات دولت و سایر مسئولین به ویژه نصب شدگان به وسیله رهبری چیست؟ با توجه به این هجمه ی بیرونی به اصل گفتمان انقلاب و عدالت، جنبش دانشجویی چه نکاتی را در مطالبه گری خود برای اصلاح اشتباهات و اشکالات دولت و سایر بخش های حاکمیت باید لحاظ کند؟

شرایط فعلی کشور و گرد و غبار حاصل از فتنه ی ایجاد شده به وسیله ی قدرت های خارجی و در راس آنها انگلیس و لغزش و مردود شدن بعضی خواص ، این سوال را ایجاد کرده است که روش کسب بصیرت در فضای فعلی چیست؟ الگوی وحدت سیاسی و چگونگی مشخص کردن جبهه ی خودی و غیر خودی چگونه است؟

در جریان اغتشاشات اخیر علی رغم تلاش برای کنترل بحران ، شاهد اقدامات تاسف برانگیز عده ای عوامل خود سر نظیر قضیه ی کوی دانشگاه و بازداشت گاه کهریزک بودیم. این نگرانی وجود دارد اقدامی صریح و علنی، با کسانی که با خود سری خود ابروی نظام را به بازی گرفته اند صورت نگیرد. یا لااقل اطلاع رسانی درستی در این زمینه انجام نشود.

قریب یک دهه از فرمان حضرت عالی به سران قوا برای مبارزه با مفاسد اقتصادی می گذرد. اما عدم پرداختن به پرونده های اقتصادی مرتبط با چهره های سیاسی که مدت ها نقل مردم کوچه و بازار است، و عدم برخورد سیستمی با مقوله فساد زمینه ای را فراهم کرده که اتهاماتی در اقدامات افشاگرانه، بدون چهارچوب قانونی طرح شود واز سوی دیگر باعث پیوند نامشروع قدرت و ثروت گردد و مردم نیز احساس برخورد جدی با مفاسد را نداشته باشند.

از شما به یادگار داریم، عدالتخواهی اسلامی باید، عادلانه، اخلاقی، عاقلانه و همراه با معنویت باشد مطرح کنندگان افشاگری ها استناداتی به متون دینی نظیر سیره حکومتی امیر المومنین می آورند اما حضرت عالی در گذشته عدم افشای نام افراد را حاصل بررسی حکیمانه درون نظام خواندید، حال این سوال مطرح می شود، مدل افشای نام و برخورد با مفسدین اقتصادی در نظام اسلامی چگونه باید باشد؟ اساسا اگر برخورد جدی با مفاسد اقتصادی در دستگاه های ذی ربط و علی الخصوص قوه قضاییه صورت می گرفت آیا شاهد طرح افشاگرانه برخی اتهامات و پیوند خوردن جریان قدرت و ثروت و طغیان آن در مقابل رای اکثریت مستضعف می بودیم؟

این سوالات جدی مطرح است که اگر قوه قضائیه و نظام توانایی و ظرفیت پیگیری جدی قضایای متهمان به اغتشاش، در وقایع اخیر و همچنین مفاسد اجتماعی را دارد آیا ظرفیت و توانایی برخورد قاطع با متهمان به مفاسد اقتصادی که ریشه بسیاری از این مسائل نیز

هست را ندارد؟ چرا قوانینی مانند از کجا آورده ای؟ امکان و فرصت تصویب و اجرایی شدن نمی یابد؟ و چرا قانون تشهیر که مصوب مجلس نیز هست به اجرا در نمی آید و بعضا افتابه دزدیهای یکی دو میلیونی خرده پا به جای مفسدین اقتصادی معرفی می گردند؟

جنبش دانشجویی در طول دو دهه ی گذشته دچار نوعی در جا زدن در مطالبات گردیده است. از سویی مطالباتی نظیر جمع شدن کالاهای صهیونیستی و خصوصی شدن دانشگاه ها و اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد با بی توجهی مسئولین کماکان بر جای خود باقی است. از سوی دیگر مطالبات در حوزه ی عدالت نیز در طرح کلیات متوقف شده است و بخش عمده ای از فعالین دانشجویی از کار تخصصی در حوزه عدالت و همچنین ارئه شاخص برای تحقق عدالت و پرسشگری از مسئولین در حوزه های تخصصی ناتوان است و مطالبه در این حوزه تا حد زیادی دچار افت مصداق زدگی است.

نگرانی جدی دیگر ما، توقف و انفعال جنبش دانشجویی در مسائل روزمره مانند مباحث پس از انتخابات و عدم توجه به لزوم پیشرفت جریان عدالت خواهی و پیگیری مطالبات اصلی مستضعفین است.

همه گروههای سیاسی فعال و مسئولین بر قانون گرایی تاکید می کنند . اما نگاه هر یک تنها معطوف به بخش خاصی از اصول قانون اساسی است. مسئله اینجاست که قانون اساسی همه قانون اساسی است. برخی از اصول مهم قانون اساسی که تضمین کننده حقوق اکثریت مستضعف و تامین کنند عدالت متوازن می باشد بر زمین مانده است برای نمونه:

اصل هشتم ، امر به معروف و نهی از منکر که باید تضمین کننده چارچوب ها و ساختار حمایتی برای آمرین و ناهیان و منتقدین درون گفتمان انقلاب باشد.

اصل یازدهم وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام برای تشکیل امت واحده اسلامی.

اصل چهل سوم: عدالت اجتماعی

بنداول: تامین نیازهای اساسی و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه،

بند سوم: ارتقاء معیشت جهت ایجاد فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور که آثار عدم اجرای انرا در دیده نشدن رای اکثریت مستضعف محروم از تربیون، و القاء خواسته ها ی نامشروع اقلیت اشرافی و مرفه صاحب رسانه شاهد بودیم.

بند هشتم جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان که عدم توجه به ان در تعامل با اقتصاد جهانی مانند تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی بدون توجه به ملاحظات فرهنگ انقلابی میتواند اثرات بدی را به دنبال داشته باشد.

اصل ۲۹ و بند دوازدهم اصل سوم: فراهم آوردن اقدامات تامینی برای همه مانند بیمه همگانی و مبارزه با فقر و تامین زنان سرپرست خانوار .

در باب کارهای تشکیلاتی دغدغه های جدی مطرح از این دست که عده ای انجام وظایف سیاسی و اجتماعی را با توجه اولویت دستیابی به حد اعلا ی خودسازی معنوی و کار فکری متوقف ساخته و از انجام مسئولیت فرار میکنند وعده ای در نقطه مقابل در لزوم کار جدی معرفتی و توجه به خود سازی معنوی تشکیک میکنند. سوال ما این است که حد این کار معرفتی در شکل ها و نسبت بین کار عملی و نظری چیست؟

مولفه ها ، اولویت ها و نقطه عظیمت برای کار معرفتی جریان دانشجویی چه باید باشد . آثار کدام اندیشمند انقلاب اسلامی برای مباحث بنیادین در شکل ها بیشترین استفاده را ببریم؟ جایگاه اندیشه امام در این بین چیست؟ آیا برای برداشت معرفتی از آن به واسطه نیاز هست؟